

سال دوم - دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ بهار ۵۵ ریال

میشدند و پرچم‌های سرخ حمل میکردند، چندین ساعت با پلیس و نیروهای امنیتی که بشکلی دیوانه‌واری بسج شده بودند، می جنگیدند و آن کارگران حتی به سرخ‌ترین جلادان تزاری نشان دادند که مبارزه‌شان واقعی است، و این با پلیس نه با یک مشت عناصری که خا دهنی - اهمیت اسلاوفیل (۱) را بوجود آوردند، بلکه در حقیقت با توده‌های بی‌خاسته طبقه کارگر پایتخت، روبرو است.

این یک درخشش واقعی و نظا هر عربستان آرمای نهایی انقلابی پرولتاریا بود، نظا هر آشکارا نیروهای انقلابی او که توسط نسلهای جدید، فولادین و مستحکم گردیده است، تزاری آشکارا از دعوت انقلابی او از مردم و خلقهای روسیه، در سال گذشته دولت و ماحیان سرما به قا در بودند و اینطور خود را تسکین بخشند که انفجار لنا قابل پیش بینی نبوده است، و آنها نمیتوانسته اند به موقع در مقابل آنها نتایج عملی آن تدارک دیده باشند، اما این بار سلطنت از خود احتیاط و پیش بینی های زیادی نشان داده بود، و برای تدارکات وقت زیادی داشت، و اقداماتی که صورت گرفت بسیار شدید بودند، نتیجه آن شد که سلطنت تزاری عمزکا مل خود را در رویا روشی با بیداری انقلابی توده‌های پرولتری نمایان ساخت.

براستی، یک سال مبارزه اعتمادی به عداز لنا نشان داده است علیرغم فربا دهی رقت - انگیز لیبیرا لیا و بله گویان آن‌ها علیه "جنون بر - با کردن اعتماد"، علیه اعتمادات "سندیکا لیستی" و علیه ترکیب اعتمادات اقتصادای سیاسی و بالعکس. علیرغم تمام اینها، این یکال نشان داده است که اعتمادات چه بزار عظیم و غیر قابل شعیفی برای تبلیغ در میان توده‌ها، برای برانگیختن آنها و برای کشاندن آنها به صفوف مبارزه‌ای که پرولتاریای سوسیال - دموکرات خود را در عمرا انقلابی برای آن مهیا میسازد، می باشد. اعتماد توده‌ای - انقلابی لحظه‌ای به دشمن مجال آرا مش و استراحت نداد، و همچنین ضربات مهلکی به کیف پول وی وارد آورد، و در مقابل انظار جهانیان اعتبار سیاسی با صلاح دولت "قدرتمند" تزاری

واخراج می کنند و از سوی دیگر از پیش به آنها امتیازاتی داده و به شوق کارها تن میدهند، از سوی دولت را تحریک می کنند که شدت عمل بیشتری از خود نشان دهد، و از سوی دیگر او را سرزنش نموده و خواستار آن میشوند که روز اول ماه مه روز تعطیل رسمی محسوب گردد.

اما گرچه زاندارها حد اکثر انرژی را بخرج دادند، گرچه حتی مناطق صنعتی را "تصفیه" نمودند، گرچه حتی آنها از چپ و راست، بنا بر آخرین لیست افراد مشکوک "افراد راستگیر" کردند، لیکن این اقدامات سودی نداشت. کارگران به خشم عا جزانه در روسته تزار و طبقه سرما به داری خندیدند "ا علامیه های تهدید - آمیز وقت آور شهر دارا استیزا میکردند، آنها اشعار طنز آمیزی بر دیوارها نوشته، به دیگران نقل میکردند و با در شهر پخش مینمودند، از جاهای نامعلومی، ناگهان بسته‌های تازه و کوچک "ا علامیه" با چاپ بسیارید، کوتاه و ساده اما بسیار آموزنده، بخت میکردید، که در آن دعوت به اعتمادات و تظاهرات شده بود، و شعارهای انقلابی قدیمی وی برده سوسیال - دموکراتها را که در سال ۱۹۰۵ اولین تها جم توده‌ها علیه حکومت مطلقه و سلطنت را رهبری کرده بودند، به یاد مردم می آورد.

روز بعد مطبوعات رسمی دولت اعلام میکنند که یکصد هزار نفر در اول ماه مه اعتماد کردند. روزنامه‌های بورژوازی با استفاده از اولین اطلاعات تلگراف شده، رقم یکصد بیست و پنج هزار نفر گزارش میکنند. (کیفسکا یا میسل). یک مخبر ارگان مرکزی حزب سوسیال - دموکرات آلمان از سن پترزبورگ تعداد را یکصد و پنجاه هزار نفر گزارش میدهد. و روز بعد تمام مطبوعات سورژوازی رقم دویست تا دویست و بیست هزار را نقل می کنند. در حقیقت تعداد اعتمادیون به دویست و پنجاه هزار نفر میرسد!

اما عدا از اعتمادیون اول ماه مه، آنچه بسیار رشکوتر - و بسیار اهمیت تراز آن بود - نظا هرات خیابانی انقلابی کارگران بود. در همه جا در اطراف و اکناف پایتخت انبوه جمعیت کارگران در حالیکه سرودهای انقلابی میخواندند، با صدای رسا خواهان انقلاب

یک سال از حادثه لنا، از اولین اعتسلا تعیین کننده در جنبش انقلابی طبقه کارگر از زمان کودتای سوم ژوئن میگردد. با ندهای سیاه تزار و زمینداران، انبوه مقامات رسمی و بورژوازی، سیمدین سالگرد چپا و، تها جم اتاتاری و سواثی روسیه بدست رومانف‌ها را جشن میگیرند. دومای چهارم تشکیل گردیده و "کار خود را آغاز کرده است، هر چند که کمترین ایمنی به کار خود ندارد و دیگر داری آن تحرک ضد انقلابی گذشته نیز نمی باشد. سردرگمی و علالت جامع لیبیرا لیا را فرا گرفته است، آنها با بی میلی دعوت به فرم میکنند و در عین حال به غیر عملی بودن حتی چیزی نزدیک به فرم نیز اذعان دارند.

در این شرایط است که آکسیون اول ماه مه پرولتاریای روسیه بوقوع می پیوندد. آکسیونی که برای نخستین بار در ریگا به تمرین گذاشته میشود و آنگاه در سن پترزبورگ، در اول ماه مه، به آکسیونی قطعی مبدل میگردد. با سن آکسیون اتمسفر بسیار دلننگ کننده و غبار - آلود را به یک طوفان عظیم و رعد آسا مبدل میسازد. وظا شف مربوط به انقلاب نزدیک شونده با تمام عظمت آن به پیش می آید، و نیروهای طبقه پیشتا، در پیشا پیش سدها انقلابی قدیمی‌ای که اعدای مهای جلادان و فراهای دوستسسان نتوانسته آنها را مغلوب سازد و از آنها جدا کرد، و در پیشا پیش میلیونها نفر از مردم نسل جدید دموکراتها و سوسیالیستها، با عزمی حزم آرا متی متهورا نه آنرا هدا یت میکنند.

از هفته‌ها قبل از اول ماه مه، دولت نتوان اندیشیدن را از دست داده بود، و در همین حال رفتن آقا یان صاحب کارها نه چنان بود که گویی هرگز هیچگونه قدرت تفکری نداشته اند. مناطق کارگری پایتخت با دستگیریها و بیگردنهای زبرو رونده است. مسابقه روستائی شیزچندان از مرکز عقب نمائده اند، ماحیان مستامل کارخانه‌ها اعلام کنفرانس نموده و شعارهای متناقضی اتخاذ کرده اند، از سوی کارگران را تهدید به مجازات

زنده باد کمونیسم!

فقط بخش‌هایی از آن‌را می‌لرزاند و باقی‌مانده‌ها فقط عمارت‌ها و نه فقط نمای بیرونی آن‌را و باقی‌مانده‌ها فقط یک طبقه از تراکت تا شیرفرامی‌دهد. جملات چرب و نرم لیبیرالها و انحلال طلبان، بدبین‌مضمون که "شکر خدا که ما قانون اساسی داریم" و با اینکه فرم‌های سیاسی در دستور روز هستند (فقط تعداد قلیلی هستند که رابطه نزدیک این دو قضیه را درک نمی‌کنند)، اما می‌ایستند در ازگوشی‌های فرم‌یست‌ها نمی‌توانند در واقعیت این امر، که هیچ انحلال طلبی و لیبیرالیستی قادر نیست یک راه‌حل فرمیستی معین برای خروج از این وضعیت نشان بدهد، تغییر صورت دهد.

شرایط توده‌های روسیه، خراب‌تر شدن وضعیت آن‌ها بدلیل سیاست جدید رضی (که زمینداران فئودال بعنوان آخرین حربه برای نجات خودیدان دست زده‌اند)، شرایط بین‌المللی، و ما هیت بحران سیاسی عمومی که در کشور شکل گرفته است - اینها مجموعه شرایط عینی‌ای می‌باشند که وضعیت روسیه را، بدلیل ناممکن بودن اجرای وظائف انقلاب بورژوازی از طریق طیف مسیرفعلی و ابزارهای که دولت و طبقات استعمارگر در خدمت دارند، به یک وضعیت انقلابی تبدیل کرده است.

این چنین است وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، این چنین است مناسبات طبقاتی در روسیه که نوعی خاص از اضمحلال را بوجود آورده که در اروپای مدرن غیرممکن است، و همه اقسام مرتدین ما پلندت‌ها از آن نه انقلاب بورژوازی دیروز (که از متن آن پرتو انقلاب پرولتری فردا می‌درخشد) بلکه وضعیت "قانونی" امروز را الگو برداری کنند. نه ستم‌وارده بر طبقات پائینی و نه بحران در طبقات بالا نمی‌توانند به انقلاب منجر شوند، این عوامل فقط می‌توانند یک کشور را به زوال و بوسیدگی بکشانند، مگر آنکه آن کشور دارای یک طبقه انقلابی باشد که بتواند تبدیل کردن شرایط با ستم‌و ستم‌را به شرایط فعال قیام انقلاب داشته باشد.

نقش یک طبقه و قیام پیشا زرا، طبقه‌ای که حقیقتاً قادر به برانگیختن توده‌ها برای انقلاب باشد، که او قیام بتوا ندر روسیه را از زوال برهاند پرولتاریای صنعتی ایفا میکند. این وظیفه‌ای است که پرولتاریا آن را با ابزار اضمحلال انقلابی اش، برآورده می‌سازد. این اضمحلال که لیبیرال‌ها از آن منتظرند و انحلال طلبان قادر به درک آن نیستند، (هما نظور که قطعاً مه‌فوریه حزب کارگر سوسیال - دموکرات روسیه بیان می‌کنند)، یکی از موثرترین ابزارها برای از بین بردن بی‌علاقگی و ناامیدی و بی‌تفرقه در میان پرولتاریای کشاورزی و دهقانان می‌باشد... و آن‌ها نه منظم‌ترین، هماهنگ‌ترین

این مشخات و ویژه اضمحلال روسیه را که تمام از وضعیت انقلابی روسیه نشات می‌گیرد، درک کنند. دوره‌ها و انقلاب و زمینه‌های آن‌ها برای رشد روحیات مرتدا نه، بدن‌ها خود تعداد بسیاری از این گونه افراد را، حتی از میان کسانی که ما پلند خود را سوسیال - دموکرات بنا می‌کنیم، بجای گذاشته است.

روسیه یک وضعیت انقلابی را تجربه می‌کند، چرا که ظلم و ستم و راه‌برده‌ها اکثریت مردم - نه فقط پرولتاریا، بلکه همچنین برنده‌م‌تولید - کنندگان خرد، و ویژه دهقانان - به حد اعلا خود تشدید یافته، و این ستم‌بیش از حد، گرسنگی فقر، سلب آزادی، تحقیر مردم، با وضعیت نیروهای مولده روسیه، با سطح آگاهی طبقاتی و خواسته‌های توده‌های بی‌خاسته از سال ۱۹۰۵، و با شرایط موجود در کلیه کشورهای همجوار - و نه فقط اروپا بلکه آسیا نیز - به شکل غیرقابل انکاری، در تناقض قرار دارد.

اما این تمام ماجرا نیست. ظلم و ستم به تنهایی هر قدر هم که وسیع باشد، نمی‌تواند در هر کشوری همیشه، به وضعیت انقلابی منجر گردد. در اغلب موارد برای انقلاب کافی نیست که طبقات پائینی دیگر نخواهند که به ما نندگذاشته زندگی کنند، بلکه همچنین لازم است که طبقات پائینی نیز قادرند باشند که به ما نندگذاشته با کمیت و فرما نروا می‌داشته باشند. این چیزی است که ما امروز در روسیه مشاهده می‌کنیم. در مقابل دیدگان ما، یک بحران انقلابی نضج می‌گیرد. بورژوازی هر چه در توان داشته است برای پشتیبانی از ضد انقلاب و برای تضمین "تکامل مسالمت‌آمیز"، برای این متن ضد - انقلابی، بکار برده است. بورژوازی به جلادان و اشراف فئودال هر چه که پول خواسته اند پرداخت نموده است. بورژوازی به انقلاب‌نا سزاگفته و آنرا محکوم نمود، بورژوازی چکمه‌های پوریتوکویج و تا زیا نه مارکوف دوم را لیسیده و مزدور آن‌ها شد، بورژوازی شوربها می‌را که بر مینای مجادلات "اروپائی" بود، شوربها می‌را که انقلاب ۱۹۰۵ را بعنوان انقلاب "روشنفکرانه" محکوم کرده و آنرا شرارت‌آمیز، جنا پتکارانه و خائنه و قس علی‌هذا می‌خوانند، تدوین نمود.

و با این حال، بورژوازی - از گادتها گرفته تا اکتبر است - ها - علیرغم تمام گذشته‌ها می‌کند، جیبش، از شرفش و مراش نمود، خود را ذعان می‌کند که حکومت مطلقه و زمینداران قادر نبوده‌اند که "تکامل مسالمت‌آمیز" را تضمین نماید. قیام در نبوده اند شرایط اساسی برای "نظم" و "قانون" را که بدون آن یک کشور سرمایه‌داری نمیتواند در جوار آلمان و چین نو زیست نماید، ایجاد کند.

یک بحران سیاسی سراسری در روسیه مشهود است. بحران‌ها که پایه‌های سیستم دولتی و نه

را به لجن کشانید. این اضمحلال بخش‌های بیشتر و بیشتری از کارگران را قادر ساخت تا حداقل قسمت کوچکی از آنچه را که در سال ۱۹۰۵ کسب کرده بودند مجدداً بدست آورند، و بخش‌های تازه‌ای، حتی عقب‌مانده‌ترین آن‌ها را، به صفوف مبارزه بکشانند. این اضمحلال طرفین‌های کارگران را به هدر نداده، در بسیاری موارد عملیات شکست‌ناظر هراتی کوتاه مدت بخود می‌گرفت و در عین حال زمینه را برای یک آکسیون آشکارا انقلابی - ترویسپا رچشمگیر تر توده‌ها در شکل تظاهرات خیابانی آماده می‌ساخت.

در طی سال گذشته، هیچ کشوری در جهان، مشارکت این همه مردم را در اضمحلال برای اهداف سیاسی، با چنین استقامتی، با چنین ابعاد و با پایداری بی‌مانند روسیه بخود ندیده است. این شرایط، به تنهایی و بی‌طور کاملاً بی‌ارزشی و کودنی محض آن دسته از لیبیرال‌ها و انحلال طلبان بر مقدمه‌ها که سعی می‌کردند تا کشتیک‌های کارگران روسیه در سال‌های ۱۹۱۲ - ۱۹۱۳ را با مقایسه با دوره‌های مشروطه‌خواهی "اروپائی"، دوره‌ها می‌کند که با سا به کارگانه‌ها و آموزش سوسیالیستی در میان توده‌ها اختصاص داشت، "تعدیل" نماید، آشکارا ساخت.

برتری عظیم اضمحلال روسیه بر اضمحلال کشورهای اروپائی حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای آن، نه نشانه‌دهنده کیفیتها و وسای قابلیتها و ویژه کارگران روس، بلکه نمایانگر شرایط خاص روسیه امروزی، وجود یک وضعیت انقلابی و رشد یک بحران مستقیم انقلابی می‌باشد. زمانیکه لحظه‌ها به رشد انقلاب در اروپا فرارسد، (در آنجا یک انقلاب سوسیالیستی خواهد بود) یک انقلاب بورژوازمکراتیک ما نندگذاشته (ما)، پرولتاریای پیشرفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری، اضمحلال، تظاهرات و مبارزه مسلحانه بسیار گسترده‌تری علیه مداخله‌کنندگان برده‌داری مزدوری برآوردند و نداشت.

اضمحلال اول ماه مه، مثال، نظیر سلسله اضمحلال ۱۸ ماه گذشته در روسیه، دارای مشخات انقلابی بوده که نوعاً آنرا نه فقط از اضمحلال اقتصادی معمولی بلکه از اضمحلال تظاهراتی و از اضمحلال سیاسی که خواستار فرم‌های قانونی بودند - بعنوان مثال مانند آخرین اضمحلال بلژیک (۲) - نیز جدا می‌نمود. آن‌ها می‌کند که در بندیک جهان بینی لیبیرالی می‌باشند و دیگر قادر نیستند از یک دیدگاه انقلابی مسائل را بنگرند، به هیچ وجه ممکن، نخواهند توانست

لنین در این متن دو کلمه Situation و State را بطور معادل در ترکیب "وضعیت انقلابی" بکار برده و هر دو را به همان مفهوم "وضعیت" بکار برده ایم. (مترجم)

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

و وسیعترین عملیات انقلابی می‌کشد»^۱
طبقه‌کارگر، توده‌های مردم زحمتکش و
استثمار شده را، که از ابتدائی ترین حقوق خود
محرومند و به بی‌س و ناامیدی گشا نیده شده‌اند، به
عملیات انقلابی سوق میدهد. طبقه‌کارگر به آنها
مبارزه انقلابی را می‌آموزد، آنها را برای
عملیات انقلابی تعلیم میدهد، و به آنها توضیح
میدهد که در کجا راه خروج را جستجو کنند و چگونه
به نجات دست یابند. طبقه‌کارگر صرفاً با حرف
نیست که به آنها آموزش می‌دهد، بلکه در عمل و
بوسیله نمونه‌ها این کار را انجام میدهد، و این
نمونه‌ها، نه بوسیله ما چرا جوئیهای قهرمانان
جدا از توده (منزوی)، بلکه بوسیله عملیات
انقلابی توده‌ای که با خواسته‌های اقتصادی و
سیاسی پیوند زده شده، بدست می‌آیند.

این ایده‌ها، حتی برای آن کارگران مادقی
که تنها توانسته‌اند با نطفه‌های ارتش‌وری
سوسیالیسم و دموکراسی آشنا می‌شوند،
چقدر مرصیح، چقدر روشن و چقدر قابل لمس
هستند. و چقدر آنها بیگانه هستند با خائنین به
سوسیالیسم و با خائنین به دموکراسی که از
میان روشنفکران برخاسته‌اند، کسانیکه به
کار "زیرزمینی"، در روزنامه‌های انحلال -
طلبان ناسازی می‌گویند، آنرا استهزا می‌کنند،
و به احقان بی‌خبر از همه‌چیز خائنین وانمود
می‌کنند که آنها "هم‌سویال دموکرات" هستند.

آکسیون اول ماه مه پروولتاریای سن -
پترزبورگ، که مورد پشتیبانی پروولتاریای
سراسر روسیه قرار گرفت، به‌تعمای آنها می‌که
گوش شنوا و چشم‌بینا دارند، بوضوح و روشنی
اهمیت عظیم تاریخی کار انقلابی زیرزمینی
را در شرائط امروزی روسیه، نشان داد. تنها
تشکیلات حزب سوسیال - دموکراتیک روسیه
در سن پترزبورگ، کمیته سن پترزبورگ، حتی
روزنامه‌های بورژوازی را نیز مجبوراً سخت
اذعان کنند که پیش از آکسیون اول ماه مه، و
همچنین در شب ۹ ژانویه، و در شب جشن سیم‌دین
سالگرد رومانوف و همچنین در چهارم آوریل (۳)،
اعلامیه‌های این کمیته‌ها را و بارها در کارخانجات
ط: هر شدند.

بخش این اعلامیه‌ها متضمن فداکارانه‌های
عظیمی بود، گاهی از اوقات، شکل ظاهری آنها
بسیار نا پسندیدند، برخی از آنها، مثلاً اعلامیه
دعوت به تظاهرات ۴ فوریه، صرفاً زمان و مکان
نظارات را در شرح خط اعلام میکردند، و آشکارا
بسطورسری و باشتاب زیاده‌تایپ‌های
کوناگون در چاپخانه‌های مختلف، تهیه شده
بودند. ما اشخاصی داریم ("همچنین سوسیال
دموکرات‌های") که در برخورد با این شرائط
کار "زیرزمینی"، به‌لبخندی تمسخرآمیز و کینه

۱ رجوع کنید به همین چاپ، جلد ۱۸، ص ۴۵۷ (ناشر)

توزان و در جایگاه لبا نشان را بطور اهان‌ت‌آمیزی
جمع کرده‌اند، سؤال می‌کنند "اگر مجموعه حزب
به زیر زمین محدود شود، پس چه تعداد عضو خواهد
داشت؟ دو بیست نفر؟ سیم‌دین شماره ۹۵، (۱۸۱)
روزنامه لوج، ارگان مرتدان را که در مقاله‌اش
در دفاع از آقای سدوف که شها مت تاسف باری
دارد که سخنگوی انحلال طلبان باشد، ای -
سخنان را نوشته، ببینید. این شماره لوج، ۵
روز پیش از آکسیون اول ماه مه در همان زمانیکه
زیرزمینی‌ها مشغول تهیه اعلامیه‌ها بودند -
بیرون آمد!

آقایان دان، پتروسوف و شرکا، که اینگونه
مواضع شرم‌آوری اتخاذ میکنند با دیدن آنکه
هزاران نفر از پروولتاریا از همان آغاز سال‌های
۱۹۰۳ و ۱۹۰۵ هزار نفر در سال ۱۹۰۷، در صفوف حزب
مشکل بوده، بوحشی در حال حاضر هزارها و دهها هزار کارگر
بعنوان عضو دسته‌های زیرزمینی حزب کارگر سوسیال -
دموکرات روسیه اعلامیه‌های زیرزمینی را چاپ
و پخش میکنند، اما آقایان انحلال طلبان خوب
مبدأ نند که آنها تحت حمایت "قاتونیبست"
استولیبینی از تعقیب قانوتی بخاطر دروغ‌های
مشتمل‌کننده و "دهن کجی‌های" مشتمل‌کننده ترشان
به قیمت فدا کردن کار زیرزمینی، در امان هستند.
ببینید این مردمان پست و رذل تا چه حد
خود را از جنبش طبقه‌کارگر و از انقلابی بطور
کلی جدا کرده‌اند! بگذارید که از معیار سنجش خود
آنها، که عداً برای خویشاوندان لیبرالها تحریف
شده، استفاده کنیم، برای یک لحظه در نظر بگیرید
که فقط "دو بیست یا سیم‌دین" از کارگران در سن -
پترزبورگ در چاپ و پخش آن اعلامیه‌های
زیرزمینی دست داشته‌اند.

نتیجه چیست؟ "دو بیست یا سیم" کارگر،
کل سرسید پروولتاریای سن پترزبورگ،
کسانیکه نه فقط خود را سوسیال - دموکرات
می‌نامند، بلکه سوسیال - دموکرات گونه عمل
می‌کنند، کسانیکه محبوب و مورد احترام تمام
طبقه‌کارگر روسیه می‌باشند، کسانیکه در باره
یک "حزب بزرگ" و راجی نمی‌کنند، اما در
واضعیت امر از زندگان تنها حزب زیرزمینی
سوسیال - دموکرات موجود در روسیه میباشند،
اینها کسانیکه هستند که اعلامیه‌های زیرزمینی را
چاپ و پخش می‌کنند، اما انحلال طلبان لوج
(تحت الحما ید ما سورا استولیبینی) به "دو بیست
یا سیم" تفریبند آنها، به کار "زیرزمینی" و
اهمیت "اغراق شده" آن و غیره، بی‌شرمانه
می‌خندند.

و ناگهان معجزه‌ای بوقوع می‌پیوندد!
بنا بر تصمیم نیم‌دوچین از اعای کمیسیون
اجرائی کمیته سن پترزبورگ و با یک اعلامیه که
به توسط "دو بیست یا سیم" تفرجاً و بی‌خوش
میگردد، دو بیست و پنجاه هزار نفر سمانندیک
بیکروا حد در سن پترزبورگ بپا میخیزند.

در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های انقلابی، در
مجامع و تظاهرات آنها، سخنی از یک "حزب علنی
طبقه‌کارگر"، از "آزادی اجتماع و با رفهمای
دیگر از این قبیل، که لیبرالها با ظاهر
فریبنده برای فریب مردم بکار می‌برند، در میان
نیست. آنها از انقلاب بی‌مانه‌تنها راه نجات
سخن می‌گویند. آنها از جمهوری بعنوان تنها
شعاری که برخلاف دروغ‌های لیبرالها در باره
رفرم، بی‌انگیزگی‌هاست که لازم برای تضمین آزادی
و بی‌انگیزگی و تیروهای است که فادرنه آگاهانه
بپا خیزند و از آن دفاع کنند، سخن می‌گویند.

دو میلیون نفر از اکتین سن پترزبورگ
دعوت به انقلاب را که در قلب تمام زحمتکشان و
ستمدیدگان فرو می‌نشیند، می‌شنوند و می‌بینند،
تمام شهروندان سن پترزبورگ از یک نمونه
عینی و درمقیاس توده‌ای می‌بینند که تنها راه
نجات چیست و گفتا و دروغین لیبرالها در باره
رفرم چه می‌باشد. هزاران نفر از واسطه‌های
کارگری و صدها روزنامه‌سوز و ژانی که مجبور به
گزارش آکسیون توده‌ای، هر چند بصورت سرو دم
بریده، می‌باشند، اخبار کارزار را اعتماداً
سرخشان پروولتاریای پایتخت را در سراسر
روسیه پخش می‌کنند. چه دهقانان و چه آن بخشاز
دهقانانی که در ارتش خدمت می‌کنند، اخبار این
اعتماد، خواسته‌های انقلابی کارگران، بیکار
آنها برای جمهوری و برای مادماده زمینهای
بزرگ برفع دهقانان را می‌شنوند. آرام آرام،
ولی بطور مطمئن، اعتمادات انقلابی، توده‌های
مردم را برمی‌انگیزد، آگاه می‌کند، بپا میخیزاند
و برای انقلاب متشکل می‌آید.

"دو بیست یا سیم" تفرجاً "افراد زیرزمینی"
بپا نگر منافع و نیازهای میلیونها و دهها
میلیون انسان بوده، دلایل وضعیت نا هنجار
آنان را گوشزد می‌کنند، چنان آنان را به
لزوم بیکار انقلابی بازمی‌آوردند، ایمان نشان را
به انقلاب بسط میدهند، شعارهای درست را به
آنها نشان میدهند، و این توده‌ها را از زیر نفوذ
شعراهای پسر و صدا اما کلا متواخالی فرمیستی
بورژوازی بیرون می‌آورند. و "دو یا سه" دوچین
انحلال طلب از میان روشنفکران، به استفاده
از پولهای که از خارج و از تجار لیبرال جمع
کرده‌اند، به کمراه کردن کارگران ناسگاه
میپردازند، و شعراهای بورژوازی را بمیان
کارگران می‌برند.

اعتماد اول ماه مه، به ما نند تمام اعتمادات
انقلابی سالهای ۱۲ - ۱۹۱۲ - بخوبی سه اردیگانه
را که در روسیه امروزی بوجود آمده است، نشان
میدهد. اردوگاه جلادان و زمینداران فئودال،
سلطنت و پلیس مخفی، آنها جدا کثرو وحشیگری‌ها
را بکار برده‌اند، ولیکن در مقابل توده‌های
طبقه‌کارگر عجزگشته‌اند. اردوگاه بورژوازی؛
تمامی آنها از کادتها گرفته تا اکتبر بیستها،

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

توضیحات

۱- اشاره است به تظاهرات اسلاوفیل که توسط عناصرنا سیونا لیست ارتجاعی در ۱۷، ۱۸ و ۲۸ مارس (۳۰ و ۳۱ مارس و ۶ آوریل) ۱۹۱۳ به مناسبت پیروزیهای صرب - بلغاربرترکها در طی جنگ اول بالکان، سازمان داده شده بود. ارتجاعیون تلاش داشتند که از مبارزه رها شئی بخش ملی خلقهای بالکان در جهت منافع توسعه طلبان، سیاستهای قدرت بزرگ تزاریسرویدر خاور نزدیک استغاده کنند.

۲- اعتمایی که در اینجا بدان اشاره میشود از ۱۴ آوریل تا ۲۴ آوریل (تقویم جدید) ۱۹۱۳، در بلژیک رخ داد. این یک اعتمابعومی از طرف پرولتاریا بلژیک بود که خواستار یک رفرم قانون اساسی - اعطاء حق رای همگانی - بودند. از میان بیش از یک میلیون کارگر بلژیکی، بین ۴۰۰/۰۰۰ تا ۵۰۰/۰۰۰ نفر در این اعتماب شرکت داشتند. گسترش اعتماب منظمادر پراودا گزارش شده، وفهرست کمکهای مالی کارگران روس به این اعتماب نیز چاپ میشود.

۳- ۴ آوریل ۱۹۱۳، اولین سالگرد تیراندازی به کارگران معدن طلائی لونا بود، که با اعتماب یک روزه کارگران سن پترزبورگ، وبا شرکت بیش از ۸۵۰۰۰ نفر از مردم، مشخص میشود.

انقلابی خویش را پیگیرانه طی میکند، مسیری که بجز آن هیچ راه دیگری برای نجات روسیه از زنده زنده پوسیدن و خفه شدن، وجود ندارد.

منتشره طبق متن سوسیال - دموکرات
مجموعه آثار لنین، جلد ۱۹ (انگلیسی)

سوسیال - دموکرات، شماره ۳۱
۱۵ (۲۸)، ژوئن ۱۹۱۳

فریاد می زند و ناله می کند، دعوت به رفرم میکنند، و با این فکر که در روسیه رفرم ممکن میباشد خود را مسخره می کنند. اردوگاه انقلاب، تنها اردوگاه هی که بیا نگر منافع توده های ستمدیده می باشد.

تاما مکارا بدشلولوژیک، تاما مکارا سیاسی در این کمپ، تنها بوسیله سوسیال - دموکراتهای زیرزمینی، بوسیله کسانی که میدانند چگونه از کوچکترین امکان قانونی بهترین استفاده - ها را با رویه سوسیال - دموکراتیک بعمل آورند، و کسانیکه بطور جدائی ناپذیری به طبقه پیشتر، پرولتاریا، پیوند خورده اند، صورت میگیرد. هیچکس نمی تواند از قبل پیش بینی کند که طبقه پیشتر در رهبری توده ها در یک انقلاب پیروز مند موفق خواهد بود یا نه. اما این طبقه وظایف خود را انجام میدهد، و علیرغم تمام تزلزلات و غیابنتهای لیبرالها و آنهائی که خود را "سوسیال - دموکرات" میدانند، توده ها را در جهت آن راه حل رهبری می کنند. تمام عناصر زنده و حیاتی سوسیالیسم روسی و دموکراسی روسیه، تنها از طریق نمونه پیکار انقلابی - پرولتاریا و در زیر هدایت آن، تعلیم می بینند. آکسیون اول ماه مه سال، بتامای جها نیان نشان داد که پرولتاریای روسیه مسیر



کارگران جهان متحد شوید

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران